

شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی

با تکیه بر سیره حضرت زهرا علیها السلام

* عصمت میهن پرست

** علیرضا حیدری نسب

*** غلامرضا رضوی دوست

چکیده

خانواده، در آموزه‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین بنیان‌های مقدس است. تشکیل خانواده قرآنی و ساماندهی آن بر مبنای قرآن کریم موجب نجات از مشکلات مختلف و مانع از فروپاشی این نهاد مقدس است. اهل بیت علیهم السلام و از جمله حضرت زهرا علیها السلام بر اساس ارزش‌های قرآنی زیسته‌اند و دارای اخلاق قرآنی الگو بوده‌اند. از این رو نوشتار حاضر با عنوان: «شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی با تکیه بر سیره حضرت زهرا علیها السلام به شیوه توصیفی - تحلیلی و با هدف دستیابی به شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی بر مبنای گزارش‌هایی که از سیره آن حضرت رسیده، نگاشته شده است. ظهور و بروز شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی حضرت زهرا علیها السلام در رابطه با خداوند موارد متعددی مثل: زهد و ترک دنیاپرستی، انفاق برای رضای الهی و در راه او و در رابطه با اعضای خانواده شامل تکریم و احترام والدین و همسر و تکریم، احترام فرزندان، همچنین خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی با اعضای خانواده گزارش شده است.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا علیها السلام، سیره حضرت زهرا علیها السلام، الگوی قرآنی، اخلاق قرآنی، خانواده قرآنی.

* کارشناس ارشد گرایش تفسیر ائری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان.

mihanparast9621@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Heydarynasab43@theo.usb.ac.ir

** عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و

بلوچستان. r.razavi@theo.usb.ac.ir



مقدمه

امروزه معرفی کردن شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی آن هم با تکیه بر سیره اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه سیره حضرت زهرا علیها‌السلام یکی از وظایف مسئولین فرهنگی و دغدغه‌مندان حوزه خانواده است. خانواده حضرت زهرا علیها‌السلام همه اعضاء آن معصوم هستند و تشکیل این خانواده از آغاز با اذن پروردگار بوده و از جانب وحی الهی این پیوند آسمانی رخ داده است؛ از این رو بهترین الگوی اخلاقی برای اعضای خانواده در ارتباط با یکدیگر و جهت گیری اعضاء به اطاعت پذیری از خداوند است.

شاخصه‌های اخلاقی خانواده قرآنی با استفاده از سیره حضرت زهرا علیها‌السلام در پی معرفی ویژگی‌هایی از حضرت علیها‌السلام است که با بعد انگیزشی انسان در ارتباط است و در تقویت پایه‌های اخلاقی یک خانواده قرآنی مؤثر و کارساز است، به طوری که به کار بستن آن موارد و الگوپذیری از آن، می‌تواند بسیاری از انحرافات اخلاقی در جامعه را اصلاح نماید.

شاخصه‌های اخلاقی و خصلت‌های والای انسانی در سیره خانوادگی حضرت زهرا علیها‌السلام به عنوان الگوی کامل و جامع قرآنی در موارد متعدد و منحصر به فرد، بیانگر شخصیت فراطبیعی آن حضرت است، اما با این وجود در این رابطه تحقیقات بایسته‌ای صورت نگرفته است.

اکنون این سؤال مطرح است که: شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی با تکیه بر سیره حضرت زهرا علیها‌السلام چه مواردی است؟ از مطالعات اولیه به دست می‌آید که شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی با تکیه بر سیره حضرت زهرا علیها‌السلام

در دو قسمت شاخصه‌های اخلاقی در ارتباط با خداوند و شاخصه‌های اخلاقی در ارتباط با اعضای خانواده می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. با توجه به زندگانی سراسر نور آن حضرت علیه السلام و وجود درس زندگی و اخلاق قرآنی در تمامی لحظات زندگانی ایشان، جمع و تحلیل شاخصه‌های اخلاق قرآنی از زندگانی آن حضرت در صفحات محدود مقاله امکان‌پذیر نیست؛ لذا در پژوهش‌های حاضر، سعی شده آن‌چه از نظر نگارنده اهمیت بیشتری دارد، به بحث و تحلیل گذاشته شود.

پیشینه

پیرامون شخصیت وجودی، مقام معنوی و جلوه‌های رفتاری خانوادگی حضرت زهرا علیها السلام پژوهش‌هایی نگاشته شده است در اینجا به چند نمونه از مقالاتی که شباهت بیشتری با عنوان این نوشتار دارد، اشاره می‌گردد: مقاله با عنوان «جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام»، (انصاری، ۱۳۷۱ش) نحوه رفتار حضرت زهرا علیها السلام، نوع تربیت و محبت به فرزندان را مورد بررسی قرار داده است، همچنین مقاله «فاطمه زهرا علیها السلام الگوی رفتارهای خانوادگی»، (بهداروند، ۱۳۸۸ش) در آن به مهرورزی حضرت زهرا علیها السلام در مورد فرزندان نشان، همسررداری نیکو، مقام ایثار و گذشت، مقدم کردن دیگران در دعا، تفاهم در زندگی مشترک پرداخته است این مقالات نیز به صورت جزئی و ناقص به موضوع پرداخته‌اند، اما در این پژوهش مباحث به طور مفصل و جامع مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

تفاوت این پژوهش با موارد گفته شده و سایر پژوهش‌های مشابه، این است



که این نوشتار در پی دستیابی به شاخصه‌های قرآنی از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام است، به عبارتی نوآوری این مقاله شناسایی و تبیین شاخصه‌های خانواده قرآنی که تاکنون با تکیه بر سیره حضرت زهرا علیها السلام در پژوهشی مستقل ارائه نشده است که با الگوپذیری و به کارگیری آن، می‌توان از جهات مختلف اخلاقی خانواده‌ای با رویکرد قرآنی را در جامعه محقق کرد.

مفهوم شناسی

برخی از مفاهیمی که لازم است جایگاه آن در لغت و اصطلاح مشخص شود، در ذیل به آن اشاره شده است.

خانواده قرآنی

در تعریف لغوی مفهوم خانواده قرآنی در سخن و ادبیات دانشمندان تاکنون شرح و توضیحی خاص مربوط به آن بیان نشده است؛ با این توضیح خانواده قرآنی در لغت را در اینجا به معنای «اهل خانه» می‌گیریم؛ زیرا از نظر لغوی در فرهنگ لغت، خانواده به معنای خاندان، اهل خانه، اهل بیت، خاندان، دودمان، خیل خانه، تبار (دهخدا، ۱۹۳۱م، ذیل واژه خانواده) آمده است. قرآن را نیز به کتاب الهی معنا می‌کنیم. در تعریف اصطلاحی خانواده قرآنی تعریفی که به آن چه در این پژوهش مد نظر است نزدیک‌تر می‌باشد، این است که: «خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن تامین سلامت روانی زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است» (صدر طباطبایی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۰۵-۲۱۲). بنابراین به طور کلی، در این نوشتار، خانواده قرآنی به خانواده‌ای می‌گوییم که با

تکیه بر قوانین قرآن و با تأسی از سبک زندگی قرآنی پیشوایان معصوم، حرکت کند.

اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» در لغت به معنای خوی و طبع (بستانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۷۲) و مرتبط با همان سجایا و صفات درونی انسان است. در تعریف اخلاق در اصطلاح آورده‌اند: اخلاق به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در درون نهادینه شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۹)، و در آموزه‌های اسلامی اخلاق این‌گونه تعریف شده است: اخلاق اسلامی به بخشی از آموزه‌های دین اسلام گفته می‌شود که از فضایل و رذایل اعمال انسان سخن می‌گوید (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۲۸۵). با این تعریف مقصود از اخلاق قرآنی در این نوشتار مواردی از آموزه‌های قرآنی مرتبط با فضائل اعمال انسان است.

شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی

شاخصه‌های اخلاقی و خصلت‌های والای انسانی در سیره خانوادگی حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگوی کامل و جامع قرآنی در دو قسمت شاخصه‌های اخلاقی در ارتباط با خداوند و شاخصه‌های اخلاقی در ارتباط با اعضای خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شاخصه‌های اخلاق در ارتباط با خداوند

مقصود از شاخصه‌های اخلاقی در ارتباط با خداوند مواردی است، که در رابطه و در برابر خداوند می‌بایست انجام شود، شاخصه‌های اخلاقی در سیره

حضرت زهرا علیها السلام به عنوان خانواده برتر قرآنی در ارتباط با خداوند شامل موارد فراوانی می‌شود که به اهم آن می‌پردازیم:

۱-۱. تقوی

همه اوصاف قرآنی تقوی در سیره حضرت زهرا علیها السلام گزارش شده است؛ به عنوان نمونه در رابطه با عبادت‌های آن حضرت نقل شده که از شدت عبادت پاهای آن حضرت ورم می‌کرده است:

«مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنَّ تَقْوَمَ حَتَّى تَوَزَمَ قَدَمَاهَا؛ در دنیا هیچ کس عابدتر از فاطمه علیها السلام نبوده است، او آن قدر برای عبادت خدا در محراب می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۴۱).

بنابراین شاخصه تقوا که ملاک برتری در قرآن معرفی شده است، می‌بایست به عنوان الگو برای خانواده‌های قرآنی از سیره حضرت زهرا علیها السلام قرار گیرد. یکی از شاخصه‌های اخلاقی خانواده قرآنی رعایت تقوی الهی است که در سیره حضرت زهرا علیها السلام به نحو احسن و اکمل به ظهور رسیده است. تقوی به معنای حفظ و پاسداری نفس از مخالفت خدای متعال به سبب انجام آن چه واجب فرموده و ترک آن چه حرام فرموده است (مشکینی، ۱۳۸۶ ش، ص ۷۵). تقوی هم برملکه حاصله در نفس که آدمی را برانجام وظایف خارجی برمی‌انگیزد و هم بر خود اعمال خارجی و ترک آن‌ها به کار رفته است (همان). اهمیت تقوی در برخی آیات قرآن کریم این گونه آمده است:

تقوی عامل عاقبت بخیری

«وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى؛ عاقبت نیک از آن تقوی است» (طه، آیه ۱۳۲).

تقوی بهترین و برترین توشه

«وَمَا تَعْمَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ؛ و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند و زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من پرهیزید ای خردمندان» (سوره بقره، ۱۹۷).

تقوی عامل قبولی اعمال

«أَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا تنها از پرهیزکاران (اعمالشان را) می‌پذیرد» (مائده، آیه ۲۷).

تقوی ملاک برتری در قرآن

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است» (حجرات، آیه ۱۳).

در اوصاف اهل تقوی در آیات اولیه سوره مبارکه بقره آمده است:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ؛ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (بقره، آیه ۱-۵). بنابراین شاخصه

تقوا که ملاک برتری در قرآن معرفی شده است، می‌بایست به عنوان الگو برای خانواده‌های قرآنی از سیره حضرت زهرا علیها السلام قرار گیرد.

۲-۱. ایثار و فداکاری

در رابطه با ایثار و فداکاری در راه خداوند چنان ملکه اخلاقی در ایشان و خانواده عظیم‌الشان آنان ایجاد شده بود که سه روز طبق نقل قرآن غذایی را که خود محتاج آن بودند به مسکین و یتیم و اسیر دادند. «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَتَطِيرًا؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند؛ (و می‌گویند): ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم (انسان، آیات ۸-۹).

تفسیر نمونه شأن نزول این آیات را این‌گونه گزارش کرده است:

«ابن عباس می‌گوید حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند پیامبر صلی الله علیه و آله با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند، و به علی علیه السلام گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود ندی برای شفای فرزندان خود می‌کردی، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه که خادمه آن‌ها بود نذر کردند که اگر آن‌ها شفا یابند سه روز روزه بگیرند (طبق بعضی از روایات حسن و حسین علیهما السلام نیز گفتند ما هم نذر می‌کنیم روزه بگیریم). چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند علی علیه السلام سه من جو، قرض نمود و فاطمه علیها السلام یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت، هنگام افطار سائلی بردر خانه آمد و گفت: السلام علیکم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من

بدهید، خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند، آن‌ها همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند. روز دوم را همچنان روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذا را آماده کرده بودند (همان نان جوین) یتیمی بر در خانه آمد آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند (بار دیگر با آب افطار کردند و روز بعد را نیز روزه گرفتند). در سومین روز اسیری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد باز سهم غذای خود را به او دادند هنگامی که صبح شد علی علیه السلام دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفته بود و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. هنگامی که حضرت آن‌ها را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می‌لرزند! فرمود! این حالی را که در شما می‌بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آن‌ها حرکت کرد. هنگامی که وارد خانه فاطمه علیها السلام شد، دید در محراب عبادت ایستاده، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده، و چشم‌هایش به گودی نشسته، پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید، سپس سوره «هل اتی» را بر او خواند (بعضی گفته‌اند که از آیه «ان الأبرار» تا آیه کان سعیکم مشکورا که مجموعاً هیجده آیه است در این موقع نازل گشت). آن‌چه را در بالا آوردیم نص حدیثی است و با کمی اختصار در «الغدیر» به عنوان «قدر مشترك» میان روایات زیادی که در این باره نقل شده آمده است و در همان کتاب از ۳۴ نفر از علمای معروف اهل سنت نام می‌برد که این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند (با ذکر نام کتاب و صفحه آن) «مکارم شیرازی ۱۳۷۱ ش، ج ۲۵، ص ۳۴۳-۳۴۴». شاخصه ایثار و از خود گذشتگی که ملاکی قرآنی است، می‌بایست به عنوان سرمشق برای خانواده‌های



قرآنی از سیره حضرت زهرا علیها السلام قرار گیرد.

۳-۱. زهد

زهد که همان ملکه عدم دل بستگی به دنیا است، از شاخصه‌های دیگر اخلاقی حضرت زهرا علیها السلام در ارتباط با خداوند است. «زهد عبارت است از ملکه دوری دنیا و عدم وابستگی به آن و بی‌اعتنایی به آن، اگر چه از راه حلال برای شخص فراهم شده باشد که شامل زهد از حرام‌های دنیا و ترک آن چه خداوند حرام فرموده، و زهد از حلال دنیا و آن چه خداوند حلال و جایز شمرده است، می‌شود (مشکینی، ۱۳۸۶ ش، ص ۸۲).

در سیره خانوادگی حضرت زهرا علیها السلام عدم وابستگی به دنیا موج می‌زند. درباره ترک دنیا و دل بستگی به آن، تا آن جا جلورفته‌اند که تعجب صحابه پیامبر را در پی داشته است، این مطلب در روایت ذیل منعکس شده است:

«أنه لما نزلت هذه الآية على النبي صلى الله عليه وآله: وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ؛ هَذَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ (حجر، آیه ۴۳ و ۴۴)، بکی النبي صلى الله عليه وآله بکاء شديدا و بکت صحابته لبكائه - و لم يدروا ما نزل به جبرئيل ع و لم يستطع أحد من صحابته أن يكلمه و كان النبي ص إذا رأى فاطمة ع فرح بها فانطلق بعض أصحابه إلى باب بيتها...؛ هنگامی که آیات ۴۳ و ۴۴ سوره حجر و إِنَّ جَهَنَّمَ... نازل گردید پیامبر اسلام به شدت گریان شد و اصحاب آن حضرت نیز گریستند در حالی که نمی‌دانستند چه آیه‌ای بر پیامبر نازل شده و کسی نیز قدرت نداشت با آن حضرت سخن بگوید و علت گریه شدید او را جویا شود. چون پیامبر خدا هرگاه فاطمه را می‌دید خوشحال می‌شد؛ لذا یکی از اصحاب پیامبر به سوی خانه فاطمه علیها السلام روان گردید، چون بر

در خانه آن حضرت رسید مشاهده نمود که وی مشغول آسیاب کردن جو می‌باشد.... حضرت فاطمه دست از کار کشید و لباسی را که دوازده جای آن با برگ نخل وصله شده بود پوشید و از اطاق خارج شد تا به نزد رسول خدا ﷺ برود، سلمان فارسی هنگامی که نظرش به لباس فاطمه علیها السلام افتاد منقلب شده به شدت گریان گردید و گفت: دختران قیصر و کسری غرق در ابریشم هستند در حالی که لباس دختر پیامبر خدا ﷺ پشمینه‌ای مندرس و پراز وصله است» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱، ص ۳۴۸). از این روایت زهد و دوری از دنیا و عدم تمایل نسبت به دنیا به طور مشخص، به دست می‌آید چرا که حضرت لباسی پوشیده بودند که دارای وصله‌های متعدد بوده و ارزش مادی چندانی نداشت.

از دیگر موارد می‌توان به دادن غذای مورد نیاز خود به مسکین و یتیم و اسیر آن هم به مدت سه روز «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند؛ (و می‌گویند:) ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم (انسان، آیات ۸-۹). این روایت نیز علاوه بر اینکه ایثار و از خودگذشتگی آن حضرت صلی الله علیه و آله و خانواده محترم‌شان را می‌رساند، بی‌اعتنایی به دنیا را نیز اثبات می‌کند؛ چراکه شخصیتی آن قدر به دنیا بی‌اعتنا می‌شود که سه روز آن چه خودش به آن نیاز دارد و حلال دنیایش است را ترک می‌کند و به داشته‌های دنیایی اعتنایی نمی‌کند بلکه انفاق و ایثار را بر آن ترجیح می‌دهد. در این آیات این دوستی آن چه محبوب انسان است کنار گذاشته شده که همان زهد است و این مطلب از واژه «عَلَىٰ حُبِّهِ»



یعنی در حالی که خودشان آن غذا را دوست داشتند و برداشت می‌شود. یکی از آیاتی که با آن توصیه به زهد شده است و دانشمندان علم اخلاق به آن استناد کرده‌اند، آیه «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ؛ و هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آن‌ها داده‌ایم می‌فکن که این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیاست و برای آن است که آنان را با آن بیازمائیم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است». (طه، آیه ۱۳۱)؛ اینکه می‌فرماید هرگز چشمان خود را مدوز به آن چه گروهی از کافران را به آن بهره‌مند ساخته‌ایم، کنایه از عدم میل و رغبت داشتن به دنیای تجملاتی آنان است. در روایات اسلامی نیز زهد حاصل دین و نتیجه آن معرفی شده است: «الزُّهْدُ مَمْرَةُ الدِّينِ؛ زهد، میوه دین است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۳).

در سفارشی پیامبر خدا ﷺ به ابوذر می‌فرمایند:

«يَا اِبَادِرَا مَا زَهَدَ عَبْدٌ فِي الدُّنْيَا اِلَّا اُنْبَتَ اللهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَ اَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ يُبَصِّرُهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا وَ دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا؛ ای ابادر، هیچ بنده‌ای نسبت به دنیا زهد نرورد مگر اینکه خداوند حکمت را در قلبش می‌رویاند و به واسطه آن زبانش را به کلمات حکیمانه گویا می‌کند و او را نسبت به عیوب دنیا بصیرت داده، درد و داروی آن را به او می‌شناساند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۶، ص ۱۹۰) و در روایت دیگری حضرت تلاش برای آخرت را با زهد گره می‌زنند:

«كَيْفَ يَعْمَلُ الْآخِرَةَ مِنْ لَا يَنْقَطِعُ مِنَ الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ؛ چگونه انسانی که میل و رغبتش به دنیا قطع نشده، برای آخرت خویش کار کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۱۸۲).

۴-۱. انفاق در راه خدا

اگرچه بعضی از شاهد مثال‌هایی که گفته شد، نشان از انفاق در راه خدا نیز می‌باشد، اما به طور مشخص یکی از موارد، انفاق گردنبنند در شرایط سخت فقر، از سوی بی‌بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان الگوی قرآنی، از زبان جابر بن عبد الله انصاری این‌گونه گزارش شده است:

۱۷ «مردی مستمند از مهاجران عرب آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه او گردیده، وضعیت و حالش را جویا شد. عرض کرد: ای پیامبر خدا! گرسنه‌ام، سیرم کنید. عریانم، مرا بپوشانید. فقیرم، بر من احسان نمایید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من اکنون چیزی ندارم به تو بدهم؛ ولی از آن‌جا که راهنمایی‌کننده به سوی کار نیک، مانند‌کننده کار نیک است، به منزل کسی که خدا و رسول دوستش دارند، برو! او نیز خدا و رسولش را دوست می‌دارد. او کسی است که همواره رضای خدا را بر خواست خویش مقدم می‌دارد. به سوی منزل فاطمه برو. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلال فرمود: ای بلال! از جا برخیز و این مرد را بر در خانه فاطمه ببر. پیرمرد اعرابی همراه بلال آمد تا به خانه حضرت زهرا رسید. کنار در ایستاد و با صدایی بلند ندا کرد: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت! ای کسانی که فرشتگان در خانه شما رفت و آمد دارند و ای کسانی که روح الامین (حضرت جبرئیل) بر شما نازل می‌شود و پیام پروردگار را بر شما فرود می‌آورد. حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: سلام بر تو! کیستی؟ عرض کرد: پیرمرد عربم که از راه دور نزد پدرت آمدم. ای دخت پیامبر! برهنه و گرسنه‌ام، مرا دستگیری فرمایید. این در حالی بود که سه روز در خانه فاطمه و امیرالمؤمنین علیه السلام طعامی یافت نمی‌شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این مطلب را می‌دانست و خود حضرت نیز همین حال را داشت. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام



پوست دباغی شده گوسفندی را که حسنین علیهما السلام روی آن می خوابیدند، به سائل داد و اظهار فرمود: این را بگیر. امیدوارم خدا بهتر از این را به تو مرحمت فرماید. مرد عرب گفت: ای دختر پیامبر! من به شما از گرسنگی شکایت کردم و شما پوست گوسفندی دادید! من با این پوست چگونه گرسنگی خود را تسکین بخشم؟! جابرمی گوید: وقتی صدیقه طاهره علیها السلام این سخن را از اعرابی شنید، گردنبنند خویش را باز کرد و به اعرابی داد و فرمود: این را بفروش! امید است که خدای متعال بهتر از آن را به تو عنایت فرماید. اعرابی گردنبنند را گرفت و به سوی مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، در حالی که حضرت بین یاران خود نشسته بودند. عرضه داشت: یا رسول الله! دختر شما این گردنبنند را به من داد و فرمود آن را بفروش، امید است که گره از کارت بگشاید. جابرمی گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله گریست و فرمود: چگونه خدا گره از کارت تو نگشاید و حال آنکه این گردنبنند را دختر محمد صلی الله علیه و آله؛ یعنی سرور دختران آدم به تو بخشیده است؟! عمار یاسر برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا به من اجازه می فرمایید که این گردنبنند را خریداری نمایم؟ حضرت فرمود: آری! اگر مردم جهان همگی با تو در خرید آن شرکت نمایند، خدای متعال آنان را به آتش عذاب نخواهد کرد. عمار از مرد بی نوا پرسید: گردنبنند را چند می فروشی؟ گفت: به وعده ای گوشت و نان که سیرم کند و بُرد یمانی که خود را با آن پوشانده و در آن برای اطاعت امر حق نماز گزارم و پولی که مرا به خانواده ام برساند. عمار سهمیه و غنیمت خویش را که پیامبر صلی الله علیه و آله به وی از جنگ خیبر بخشیده بود، فروخته بود و از آن چیزی باقی نمانده بود. در عین حال به مرد گفت: به تویست دینار و دویست درهم نقره هجری، بُرد یمانی و مرکب خویش که تو را به خانواده ات برساند و یک وعده غذا از نان گندم و

مقداری گوشت که سیرت کند، در مقابل گردن‌بند خواهم داد. مرد عرب گفت: تو عجب مرد سخاوتمندی هستی! عمار با وی رفت و آن چه را به عهده گرفته بود، به او پرداخت. اعرابی نزد رسول اکرم ﷺ آمد. حضرت پرسید: آیا سیر و پوشاننده شدی؟ پاسخ داد: آری، بی نیاز شدم. حضرت فرمود: پس فاطمه را دعا کن. اعرابی دست به دعا برداشته، گفت: پروردگارا! تو خدایی هستی که ساخته و پرداخته ما نیستی و غیر تو معبودی نیست که او را پرستیم و توای پروردگارا! از هر سو رازق مایی. خداوندا! به فاطمه علیها السلام آن چه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده، عطا فرما. آنگاه پیامبر ﷺ فضائلی برای فاطمه زهرا بیان فرمودند. عمار گردن‌بند را گرفت و آن را به مُشک معطر نمود و در بُردِ یمانی پوشاند و به دست غلام خود - که نامش «سهم» بود و از سهم غنیمت خویش خریداری کرده بود - سپرد و به او گفت: این گردن‌بند را بگیر و آن را به رسول خدا ﷺ بده و تو پس از انجام این کار از آن رسول خدا ﷺ خواهی بود. غلام گردن‌بند را گرفت و آن را نزد پیامبر ﷺ برد و حضرت را از گفتار عمار با خبر ساخت. حضرت فرمود: نزد فاطمه برو و گردن‌بند را به وی بده و تو خود نیز متعلق به فاطمه خواهی بود. غلام گردن‌بند را نزد حضرت فاطمه برد و ایشان را از فرموده رسول خدا ﷺ آگاه نمود. آن بانوی دو جهان، گردن‌بند را گرفت و غلام را آزاد فرمود. غلام خندید! حضرت فاطمه علیها السلام پرسید: علت خنده تو چیست؟ پاسخ داد: عظمت برکت این گردن‌بند مرا به خنده انداخت؛ زیرا گرسنه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشاند، فقیری را بی نیاز کرد، بنده‌ای را آزاد نمود و سرانجام به صاحبش برگشت» (طبری آملی، ۱۳۸۳ ق، ج ۲، ص ۱۳۷).

همین طور انفاق لباس عروس در شب عروسی به فقیر و پوشیدن لباس کهنه

قدیمی برای رفتن به خانه شوهر (صفوری، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۱۷۵، موحد ابطحی اصفهانی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۱، صص ۲۳۰-۲۳۱؛ شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۴۰۱).

از طرفی، ملکه انفاق در راه خدا تا آن جا در سیره حضرت زهرا علیها السلام اوج گرفته است که هنگام معرفی محبوب‌ترین آن چه را که دنیا دارد، برای خویش هیچ موردی را از دنیا انتخاب نکرده بلکه همه موارد برگزیده ایشان، معنوی هستند. حضرت زهرا علیها السلام در روایتی می‌فرمایند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَ التَّنْظُرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ من از دنیای شما سه چیز را پسندیدم: تلاوت قرآن، نگاه کردن به چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله و انفاق کردن در راه خدا» (دستی، بی تا، ص ۸۱). از این روایت به دست می‌آید که حضرت زهرا علیها السلام از انفاق در راه خدا شادمان می‌شدند و چنان برای ایشان خوشایند و لذت بخش بوده است که به عنوان یکی از موارد مورد پسند خود از این عالم دنیا، انفاق در راه خدا را اعلام می‌فرمایند.

۵-۱. صبر

از دیگر شاخصه‌های اخلاقی یک خانواده قرآنی، صبر است. «صبر: خویشتن داری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا می‌کند، یا از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند. بحسب اختلاف موارد نام آن فرق می‌کند. اگر خویشتن داری در مصیبت باشد آن را صبر گویند، ضد آن جزع است. اگر در جنگ باشد شجاعت نامند، ضد آن جبن است. اگر در پیش آمد باشد آن را سعه صدر گویند» (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۱۰۵).

در سیره حضرت زهرا علیها السلام و اخلاق قرآنی ایشان صبردارای جایگاه ویژه و عظمتی وصف ناپذیر است، تا جایی که از آزمایش صبر الهی طبق عبارت روایات سر بلند شده‌اند. در زیارت ایشان می‌خوانیم: «يَا مُتَّحَنَّةَ امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۷۸، معرفت، ۱۳۸۷ ش، ج ۵، ص ۲۲۳). نتیجه آزمایش ایشان این بود که در سختی‌های زندگی و گرفتاری‌های مختلف از امتیاز بالا و ویژه صبر، بهره‌مند شدند.

قرآن کریم در آیات متعددی تأکید بر صبر کردن مؤمنان دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت بخرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت بعمل آورید و از خدا پرهیزید شاید رستگار شوید» (آل عمران، آیه ۲۰۰) و به صابران بشارت به رحمت ویژه داده است:

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!؛ آن‌ها که هر گاه مصیبتی به آن‌ها رسد می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم! این‌ها همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حال‌شان شده و آن‌ها هستند هدایت‌یافتگان» (بقره، آیات ۱۵۵ - ۱۵۷) و خداوند پاداش صابران را بی‌حد و اندازه در قرآن توصیف فرموده است:

«إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ صابران اجر و پاداش خود را بی‌حساب دریافت می‌دارند» (زمر، آیات ۱۰ تا ۱۶). از این آیه شریفه برداشت می‌شود که بالاترین پاداش‌ها در قیامت از آن صابران است، صاحب تفسیر نمونه در این رابطه می‌نویسد:



«تعبیر به «یوفی» که از ماده وفی و به معنی اعطاء کامل است از یک سو و تعبیر «بغیر حساب» از سوی دیگر نشان می‌دهد که صابران با استقامت، برترین اجر و پاداش را در پیشگاه خدا دارند، و اهمیت هیچ عملی به پایه صبر و استقامت نمی‌رسد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۹، ص ۴۰۳).

در روایات اسلامی نیز از جایگاه رفیع صبر سخن به میان آمده است؛ مانند این روایت که می‌فرماید «الصبر من الايمان كالرأس في الجسد؛ موقعیت صبر نسبت به ایمان، به منزله سر نسبت به بدن است (شهید ثانی، ۱۳۷۴ ش، ص ۷۳)، در حکمت ۱۸۹ نهج البلاغه آمده است: «وَقَالَ ﷺ: مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ، أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ؛ هرکسی را صبر نجات ندهد، بی‌تابی هلاک خواهد کرد» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۲).

از هر دوی این روایات برداشت می‌شود، در صورتی که انسان صبر را پیشه خویش در یک خانواده قرآنی ننماید، زندگانی او دچار هلاکت خواهد شد، در روایت اول می‌بینیم که موقعیت سردر بدن به گونه‌ای است که اگر سر وجود نداشته باشد بدن از بین خواهد رفت و دیگر بدنی وجود نخواهد داشت؛ به این معنا در صورتی که صبر در کارها پیشه انسان نگردد، ایمان وی از بین خواهد رفت و دچار هلاکت و نابودی و خسران خواهد شد. در روایت دوم به صراحت آمده است کسی که از صبر دوری کند، مخالف صبر که جزع و بی‌تابی است او را به هلاکت خواهد رساند.

رسول خدا ﷺ درباره پاداش صابران فرموده‌اند:

«إِذَا نُشِرَتِ الدَّوَابُّ وَ نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ لَمْ يُنْصَبْ لِأَهْلِ الْبَلَاءِ مِيزَانٌ وَ لَمْ يُنْشَرْ لَهُمْ دِيوَانٌ؛ هنگامی که نویسندگان (نامه اعمال را) منتشر نمایند و میزان سنجش



(کردارها و گفتارها) نصب گردد، برای اهل بلامیزان سنجشی نیست و پرونده اعمال هم برایشان گشوده نخواهد شد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۱۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۷۰۰؛ ابن همام اسکافی، ۱۳۸۸ ش، ص ۹؛ طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۳۰۰). این شاخصه لازم است در زندگانی یک خانواده قرآنی اسوه قرار گیرد؛ چرا که زندگی خانوادگی دارای فراز و نشیب و گرفتاری و سختی و دغدغه‌های فراوانی است که چاشنی جلوگیری از فروپاشی و داشتن حلاوت و شیرینی در آن صبر و استقامت است و بدون آن مشکلات خانواده و شخص دو چندان خواهد شد.

۱-۶. اخلاص

اخلاص از دیگر شاخصه‌های اخلاقی در خانواده قرآنی است. در روایات اسلامی نیز برترین عبادت، اخلاص نام برده شده و مقصود عبادتی است که خالص بوده و فقط برای رضای الهی و قصد تقرب خداوند انجام شود و شخص هیچ هدف و مقصود دیگری در آن آمیخته نکند و عبادت الهی را با شرک مخلوط نکند. در روایت مشهوری آمده است:

«مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَ تَيَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ؛ هر کس چهل روز خداوند را خالص و با اخلاص اطاعت کند، چشمه‌های حکمت از دلش برزبان‌ش جاری می‌گردد» (قضاعی، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۹۲؛ شعیری، بی تا، ص ۹۴؛ میرداماد، ۱۳۱۱ ق، ص ۲۰۰).

همین طور در توصیه‌ی گران بها از حضرت زهرا علیها السلام می‌خوانیم: «مَنْ أَوْجَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ هر کس عبادت خالص خود



را بسوی خداوند بفرستد، خداوند بهترین مصالح و خیرخواهی خود را برای آن بنده فرود می‌آورد» (حسن بن علی، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۲۷؛ ورام بن اَبی فراس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۳۳). این عبارت شریف بیانگر این است که سرنوشت انسان در دست اخلاص اوست به طوری که اگر نیت خویش را خالص گرداند برترین سرنوشت الهی برای او رقم خواهد خورد و می‌بایست مد نظر یک خانواده قرآنی باشد.

قرآن در رابطه با اخلاص می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ؛ بگو: من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص نمایم» (زمر، آیات ۱۰ تا ۱۶).

درباره خانواده قرآنی حضرت زهرا علیها السلام قرآن می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَيَّ حَبِيبَهُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُنْظِرُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَتَطْرِيرًا؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند؛ (و می‌گویند): ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم» (انسان، آیات ۸-۹). این آیه به صراحت از اخلاص و عدم خلط نیت آن خانواده قرآنی حتی به امید پاداش، حکایت دارد و عملشان را صرفاً برای رضایت خداوند مطرح می‌فرماید.

۲. شاخصه‌های اخلاق در ارتباط با اعضای خانواده

از شاخصه‌های دیگر قرآنی، شاخصه‌های اخلاق در ارتباط با اعضای خانواده است که در سیره حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگوی کامل در موارد زیادی وجود دارد. مقصود از شاخصه‌های اخلاقی در ارتباط با خانواده، مواردی است که

در رابطه با سایر افراد جامعه انجام می‌شود. از آن جایی که این شاخص‌ها زیاد هستند و امکان بررسی و تحلیل آن در نوشتار مختصری مانند مقاله وجود ندارد، به چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲. تکریم احترام و صمیمیت اعضای خانواده

احترام و صمیمیت از شاخصه‌های دیگر قرآنی در یک خانواده قرآنی است. در حدیث شریف کساء به صمیمیت میان اعضای خانواده قرآنی حضرت زهرا علیها السلام اشاره شده است. علاوه بر ارتباط ویژه و مکالمات محبت آمیز مادر با فرزندان، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر اینکه اصحاب کسا را اهل بیت و خاصان خویش می‌دانند تأکیدی بر روابط صمیمی میان اعضای خانواده است.

نمونه‌ای از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «در حدیث شریف کساء می‌پردازیم که می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي» این‌ها خواص و نزدیکان و خویشان من هستند... «لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَدَمُهُمْ دَمِي» گوشت و خون‌شان گوشت و خون من است. «يُؤَلِّئُنِي مَا يُؤَلِّئُهُمْ وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ» درد و اندوه ایشان درد و اندوه و غم من است.

این نوع سخن گفتن اوج عاطفه احساس و اهمیت دادن به افراد خانواده و صمیمیت میان اعضاء است (امرائی و دیگران، ۱۳۹۹ ش، ۲، ص ۲۲۲).

تکریم و احترام از شاخصه‌های دیگر قرآنی در یک خانواده قرآنی است، تا جایی که این مهم طبق دستور قرآن می‌بایست در مورد تمامی انسان‌ها انجام شود. قرآن می‌فرماید «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ با مردم از روی نیکویی و احترام سخن بگویید» (بقره، آیه ۸۳)، با دقت در آیه در می‌یابیم که از کلمه للناس برداشت



می‌شود مقصود همه مردم هستند نه اینکه فقط با مؤمنان با احترام برخورد شود و البته پرواضح است که تکریم و احترام مؤمنان از همین آیه با اولویت آنان نسبت به مردم به دست می‌آید و دشمنان با دلایل دیگری خارج می‌شوند.

در تفسیر عیاشی آیه روایتی از امام باقر علیه السلام، در معنای آیه این‌گونه آمده است: عن جابر عن أبي جعفر علیه السلام في قوله: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، آیه ۸۳) قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابِ الطَّغْنَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ، أَلْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشِ السَّائِلِ الْمُلْحِفِ، وَ يُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْحَلِيمِ الْعَفِيفِ الْمُتَعَفِّفِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۵). از این روایت برداشت می‌شود شخصی که با مؤمنین با نیکویی برخورد نمی‌کند مورد غضب خداست. در آیات دیگر یکی از صفات مؤمنان، رعایت احترام و تکریم افراد، و لوجاهل و نادان باشند، برداشت می‌شود:

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ بندگان خاص خداوند رحمن آن‌ها هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)» (فرقان، آیات ۶۳ تا ۶۷). از این آیه برداشت می‌شود که یکی از ویژگی‌های مهم افراد در خانواده‌های قرآنی این است که در برخورد با اشخاص بسیار متواضع و مهربان باشند و از خشونت حتی المقدور پرهیزند، خانواده‌ای که به عنوان اسوه و الگو برای خانواده‌های قرآنی در این نوشتار مد نظر است خانواده‌ای ویژه و دارای شاخصه‌های بسیار رفیع هستند، به طوری که تنها خانواده‌ای است که تقریباً همه اعضای خانواده معصوم هستند و آنان که معصوم نیستند نیز در درجات بالایی از معرفت و حتی تالی تلو معصوم

می باشند که در ذیل نمونه‌هایی از تکریم و احترام نسبت به اعضای خانواده در سیره حضرت زهرا علیها السلام را ذکر می‌نماییم:

۲-۲. تکریم و احترام والدین

احترام و تکریم والدین در سیره قرآنی حضرت زهرا علیها السلام تا جایی است که ایشان نگاه کردن به چهره آنان را جزء برترین کارهای پسندیده می‌دانند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَالتَّظَرُّفُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ من از دنیای شما سه چیز را پسندیدم؛ تلاوت قرآن، نگاه کردن به چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله و انفاق کردن در راه خدا» (دشتی، بی تا، ص ۸۱).

در جریان حدیث کساء هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: «انی اجد فی بدنی ضعفا؛ در بدنم احساس ضعف می‌کنم» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۹۳۱)، ایشان از روی احترام و تکریم و شفقت می‌فرمایند: «اعیذک بالله یا ابتاه من الضعف؛ پناه می‌برم به خداوند از اینکه در وجود نازنین شما ضعفی ایجاد شده باشد» (همان) که البته این ضعف احتمالاً از نشانه‌های نزول آیه بوده که در ادامه نیز آیه تطهیر نازل می‌گردد، اما بی‌بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از روی ارادت، تکریم و احترامی که برای پدر قائل هستند بلافاصله نگران شده و به خداوند از اینکه ضعفی در بدن مبارک‌شان ایجاد شود پناه می‌برند.

۲-۳. تکریم و احترام شوهر

در سیره قرآنی حضرت زهرا علیها السلام تکریم و احترام همسر از جایگاه خاصی



برخوردار است. تا جایی که در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که حضرت علیه السلام، به امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «توبعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله محبوب‌ترین فرد نزد من هستی» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۱، ص ۳۹۰). این فرمایش به صراحت اوج تکریم و احترام به همسر را در سیره آن حضرت هویدا می‌کند. اصولاً تکریم و احترام شوهر در خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به طوری که برخی از جدایی‌ها و طلاق‌ها به عدم ابراز محبت و عدم تکریم و احترام همسر بر می‌گردد. در این عبارت شریف ابراز محبت و تکریم و احترام آن بانو نسبت به مولی الموحدين حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام گویا است. همین‌طور در حدیث شریف کساء مشاهده می‌شود که بخاطر تکریم و احترام امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیه السلام از کنیه ایشان ابالحسن و امیرالمؤمنین، استفاده می‌فرمایند:

«فَأَقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱، ص ۹۳۲)؛ چرا که خواندن و صدا زدن شخص با کنیه در بین اعراب نشان از عزت و احترام و تکریم دارد. این‌گونه تعامل با همسر از نکات مهمی است که می‌تواند پیوند زناشویی را محکم کرده و الگویی برای خانواده‌های قرآنی بر مبنای سیره حضرت زهرا علیه السلام باشد.

۲-۴. تکریم و احترام فرزندان

در سیره خانواده قرآنی حضرت زهرا علیه السلام فرزندان دارای احترام بالایی هستند، چراکه یکی از ویژگی‌های پدر و مادر برخورد احترام‌آمیز و تکریم فرزندان است. در حدیث شریف کساء نمونه‌ای از این احترام و تکریم فرزند از سوی حضرت زهرا

ﷺ و پیامبر ﷺ مشاهده می شود.

مشاهده می شود که در اوج صمیمیت و عطوفت با به کار بردن تعابیری مانند «یا اُمّاه» «یا وُلَدی» «یا وَصی وَ خَلِیْفَتی» و یا صَاحِبِ لِوَالِیِّ با یکدیگر سخن می گویند. در این گفت و گونکات تربیتی قابل تأملی وجود دارد. استفاده از الفاظ کم نظیری مانند «فُرَّةَ عَیْنی» و «مَثَرَةَ فُوادی» که نکات حیرت آوری برای ابراز علاقه و رابطه صمیمی میان مادر و فرزندان است (امرائی و دیگران، ۱۳۹۹ش، شماره ۲، ص ۲۲۱). این اکرام و احترام ویژه از شاخصه های زندگی قرآنی می باشد که بکارگیری و الگوگیری از آن می تواند به تأمین نیازهای روحی و روانی فرزندان کمک کرده و از ثمرات و برکات فراوان آن بهره برد، چرا که در صورت عدم تکریم و احترام فرزندان می تواند صدمات جبران ناپذیر روحی و روانی که گاه منجر به صدمات و بیماری های جسمی نیز می شود، را در پی داشته است و عوامل بروز ناهنجاری ها و انحراف های اجتماعی می گردد.

۲-۵. خوشرویی با اعضای خانواده

خوش رویی و خوش اخلاقی از ویژگی های دیگر اعضای یک خانواده قرآنی است. قرآن کریم در مورد پیامبر ﷺ می فرماید «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری» (قلم، آیه ۴).

کتاب الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز این آیه را این گونه تفسیر کرده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ أَي: أَنْتَ عَلَى الْخُلُقِ الَّذِي أَمَرَكَ اللَّهُ بِهِ فِي الْقُرْآنِ؛ تو دارای همان اخلاقی هستی که خداوند آن را در قرآن امر کرده و دستور داده است» (واحدی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۱۲۱) که مقصود همان اخلاق قرآنی است.



روایتی در ذیل آیه نقل شده که این خوش اخلاقی را با خوش رویی در خانه گره زده است:

«ابوبکر حارثی با اسناد از عایشه روایت می‌کند کسی از پیغمبر ﷺ خوش اخلاق تر نبود و هر یک از اصحاب یا اهل خانه حضرت را صدا می‌کردند در جواب «لبیک» می‌فرمود. از این رو خدای عزوجل خطاب به او آیه فرستاد: «حقا که تو بر خوی و خصائل با عظمتی هستی» (واحدی، ۱۳۸۳، ش، ص ۲۳۳).

قرآن در آیه دیگری حتی در برخورد با دشمن خویش از خوش رویی و برخورد ملایم سخن به میان می‌آورد، در جریان حضرت موسی که قرار است برای امر به معروف فرعون از طرف خداوند برود، حضرت موسی علیه السلام مأمور به خوش رویی می‌شود:

«أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ (طه، آیات ۴۳ و ۴۴) به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است؛ اما به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد.

در روایات اسلامی نیز از این مهم فراوان یاد شده است. امام باقر علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

«أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ أَلْقَ أَخَاكَ بِوَجْهِهِ مُنْبَسِطٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۳؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۲۹۵)، در این عبارت شریفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله توصیه می‌فرماید که برادرت را با چهره باز ملاقات کن و در برخورد با او گشاده رو باش. خوش رویی و خوش اخلاقی در سیره قرآنی حضرت زهرا علیها السلام را در موارد متعددی می‌توان مثال زد که تنها به یک مورد بسنده می‌کنیم:

۲-۶. اظهار محبت

در سیره حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگوی خانواده قرآنی ابراز محبت به پدر و مادر، همسر و فرزندان، آن هم با رویی گشاده و خوش موج می‌زند. آن حضرت در عبارتی می‌فرماید:

«الْبَشْرُفِيُّ وَجْهَ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ وَالْبَشْرُفِيُّ وَجْهَ الْمُعَانِدِ الْمُعَادَى يَتَّقِي صَاحِبَهُ

۳۱

عَذَابِ النَّارِ؛ خوش رویی با مؤمن، موجب دستیابی به بهشت می‌شود و خوش رویی نسبت به غیر مؤمن، انسان را از عذاب آتش حفظ می‌ند» (حسن بن علی، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۵۴). از این روایت حضرت به دست می‌آید که پاداش خوش رویی چه با مؤمن و چه غیر مؤمن پاداشی بسیار گران بها است.

در سیری آن حضرت خوش رویی نسبت به اعضای خانواده تا جایی رسیده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دیدن فاطمه علیها السلام شاداب می‌شوند و امام علی علیه السلام با دیدن ایشان غصه‌ها و غم‌هایشان می‌رود و فرزندان در آغوش مادر آرامش می‌گیرند.

هنگامی که آیات «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ * لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ» (حجر، آیات ۴۳-۴۴)، نازل گردید پیامبر اسلام به شدت گریان شد و اصحاب آن حضرت نیز گریستند در حالی که نمی‌دانستند چه آیه‌ای بر پیامبر نازل شده و کسی نیز قدرت نداشت با آن حضرت سخن بگوید و علت گریه شدید او را جويا شود. چون پیامبر خدا هرگاه فاطمه را می‌دید خوشحال می‌شد، لذا یکی از اصحاب پیامبر به سوی خانه فاطمه علیها السلام روان گردید، چون بر در خانه آن حضرت رسید مشاهده نمود که وی مشغول آسیاب کردن جومی باشد و در آن حال این آیه را می‌خواند:



«وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (سوره قصص، ۶۰)، آن شخص به فاطمه علیها السلام سلام کرد و آن چه را که برای رسول خدا رخ داده بود شرح داد، حضرت فاطمه دست از کار کشید و لباسی را که دوازده جای آن با برگ نخل وصله شده بود پوشید و از اطاق خارج شد تا به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برود (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۱، ص ۳۴۸). «وكان النبي صلی الله علیه و آله إذا رأى فاطمة علیها السلام فرح بها؛ پیامبر خدا هرگاه فاطمه را می دید خوشحال می شد» (ابن طاووس، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۷۴؛ حکیمی، و همکاران، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۳۴۵؛ جزائری، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۴۱). این خوش رویی به جایی رسیده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله أَنْ اللَّهُ يَغْضِبُ لِعِصْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا» (علی بن موسی، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۴۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۲۷)، خداوند با رضایت فاطمه علیها السلام راضی و خشنود می شود. آغوش گرم مادر برای ابراز محبت محبت و عشق تا آن جا ادامه پیدا می کند که پس از غسل و کفن ایشان نیز به فرموده امام علی علیه السلام حسنین را در آغوش می کشد:

«فضه (کنیز حضرت زهرا) نقل می کند: بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، امام علی علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: بیایید و با مادرتان وداع کنید. حسنین علیهما السلام خود را برپیکر مادر انداخته و شروع به گریه کردند. امام علی علیه السلام می فرماید: من خداوند را شاهد می گیرم که حضرت زهرا علیها السلام آه و ناله ای کرد و دست های خود را دراز نموده و حسنین علیهما السلام را چند لحظه ای به سینه خود چسبانید. ناگاه منادی از آسمان ندا داد: ای ابی الحسن علیه السلام! حسنین علیهما السلام را از روی سینه زهرا علیها السلام بردار، به خداوند سوگند که این وضعیت، ملائکه آسمان ها را گریان کرد؛ زیرا دوست، مشتاق لقای دوست است. امام علی علیه السلام هم حسنین

علیه السلام را از روی سینه زهرا برداشت و بندهای کفن حضرت زهرا علیه السلام را بست» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۴۳، ص ۱۷۹).

نکته دیگر در اخلاق قرآنی آن حضرت علیه السلام، این است که در مقابل مصیبت‌هایی که به ایشان وارد شده خم به ابرو نمی‌آورد و چنان خوش‌رو اظهار محبت می‌کند که اعضای خانه از جراحاتی که به ایشان وارد شده اطلاعی ندارند. هرگز در محیط خانه زبان به گله و شکایت باز نمی‌کند. در مقابل آن چه می‌داند شوهر توانایی فراهم کردن آن را ندارد صبر کرده و آن را ابراز نمی‌کند که خدای نکرده همسرا حساس شرم نکند. ابوسعید خدری روایت کرده است:

«أصبح علي بن أبي طالب عليه السلام ذات يوم ساغبا فقال يا فاطمة هل عندك شيء تغذي به قالت لا والذي أكرم أبي بالنبوة وأكرمك بالوصية ما أصبح الغداة عندي شيء و ما كان شيء أطعمناه مذ يومين إلا شيء كنت أوثرك به على نفسي و على ابني هذين الحسن و الحسين فقال علي يا فاطمة ألا كنت أعلمتيني فأبغىكم شيئا فقالت يا أبا الحسن إني لأستحي من إلهي أن أكلف نفسك ما لا تقدر عليه...؛ صبح روزی علی عليه السلام به فاطمه علیه السلام گفت: آیا طعامی برای خوردن داریم؟ فاطمه گفت: نه، به حق خدایی که پدرم را به نبوت و پیامبری گرامی داشت و تو را به وصایت و جانشینی او، چیزی در خانه نداریم و دو روز است که چیزی نخورده‌ایم و مقدار کمی غذا در خانه بوده است که آن را هم برای تو و فرزندانمان اختصاص دادم و خود از خوردن آن خودداری نمودم. علی عليه السلام فرمود: ای فاطمه علیه السلام، چرا مرا آگاه ننمودی تا غذایی تهیه نمایم؟ فاطمه گفت: ای ابوالحسن! من از خداوند شرم دارم از تو چیزی بخواهم که قدرت بر تهیه آن نداشته باشی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۵۹). اینکه حضرت فرموده‌اند: من از خداوند شرم دارم و خجالت می‌کشم که توبه چیزی وادار شوی که قادر به



انجام آن نباشی، کنایه از اینکه خواسته‌ای از تو داشته باشم که اذیت شوی. این گونه است ابراز محبت به همسر که انگار اگر جایی خواسته‌ای داشتیم که احساس کردم، اذیت می‌شوی شرمنده خدا خواهم شد و در واقع آن خواسته را نمی‌خواهم.

نتیجه

قرآن آخرین و جامع‌ترین نسخه اخلاق برای دستیابی انسان به سعادت در دنیا و آخرت است و این اخلاق برای خانواده قرآنی نیازمند الگوگیری از اسوه‌های دینی است. این نوشتار با عنوان «شاخصه‌های اخلاق در خانواده قرآنی با تکیه بر سیره حضرت زهرا علیها السلام، در پی معرفی مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاق در خانواده، قرآنی آن حضرت است. از سیره آن حضرت شاخصه‌های اخلاقی خانواده در ارتباط با خداوند را در مواردی مانند: تقوا، زهد، اخلاص و... می‌توان به طور خلاصه بیان کرد. همچنین مواردی از شاخصه‌های اخلاقی خانواده قرآنی در ارتباط با اعضای خانواده در سیره آن حضرت شامل تکریم و احترام اعضای خانواده از سوی آن حضرت، تکریم و احترام والدین از سوی آن حضرت، تکریم و احترام به شوهر، از جانب آن حضرت و تکریم و احترام فرزندان در آن خانواده قرآنی مانند: خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی با اعضای خانواده و اظهار محبت به آنان از جمله مواردی است که در سیره حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد.

منابع

*قرآن کریم.

*نهج البلاغه.

- ۱) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران.
- ۲) ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابي طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم.
- ۳) ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۵ق)، الدرر الواقیة، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام الحیاء تراث.
- ۴) ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدة الداعي و نجاح الساعي، بیروت: دارالکتاب العربي.
- ۵) ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل (۱۳۸۸ش)، تکامل و طهارت روح / ترجمه التمحیص، قم: نورالسجاد.
- ۶) امرائی، ایوب، و دیگران (۱۳۹۹ش)، (قرائت تربیتی از حدیث کساء باروش تحلیل و محتوا) دو فصلنامه علمی پژوهشی آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۶، شماره ۲.
- ۷) بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام.
- ۸) بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش)، البرهان في تفسير القرآن، قم.
- ۹) بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی.
- ۱۰) حسن بن علی علیه السلام (امام یازدهم) (۱۴۰۹ق)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسكري علیه السلام، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- ۱۱) حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰ش)، الحیاء



- / ترجمه احمد آرام، تهران: دلیل ما.
- ۱۲) دشتی، محمد (بی تا)، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام، اصفهان: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- ۱۳) دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۰ ش)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴) شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغة، قم: مؤسسه دار الهجره.
- ۱۵) شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه.
- ۱۶) شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۴ ش)، تسلیة العباد در ترجمه مُسکَن الفؤاد، قم: هجرت.
- ۱۷) شوشتری، قاضی نورالله (۱۴۰۹ ق)، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ۱۸) صدر طباطبایی، فاطمه (۱۳۸۰)، تعریف خانواده از منظر قرآن، پژوهش های قرآنی، شماره ۲۷ و ۲۸ ویژه نامه زن در قرآن.
- ۱۹) صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام (۱۲۸۳ ق)، نزهة المجالس و منتخب النفائس، مصر: المطبعة الكاستلية.
- ۲۰) طبری آملی، عماد الدین اُبی جعفر محمد بن اُبی القاسم (۱۳۸۳ ق)، بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، نجف: المكتبة الحيدرية.
- ۲۱) طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، الأملی، قم: دارالثقافه.
- ۲۲) عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية.
- ۲۳) فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ق)، الوافی، اصفهان.
- ۲۴) _____ (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، تهران: مكتبه الصدر.



- ۲۵) قضاعی، محمد بن سلامة (۱۳۶۱ش)، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ﷺ)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۶) لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم والمواعظ، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ۲۷) مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی-الأصول و الروضة، تهران: المكتبة الاسلامیه للنشر والتوزیع.
- ۲۸) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، تهران: دارالکتب الاسلامیه،.
- ۲۹) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۰) مشکینی، علی (۱۳۸۶ش)، درس‌های اخلاق، مترجم: حسین استاد ولی، تهران: انتشارات الهادی.
- ۳۱) مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴ش)، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۳۲) معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش)، التفسیر الأثری الجامع، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- ۳۳) مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، کتاب المزار، مناسک المزار، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- ۳۴) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۵) موحد ابطحی اصفهانی، سید محمد باقر بن مرتضی (۱۳۸۲ش)، عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الايات والاخبار والاقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام.

- ۳۶) موسوی بجنوردی، سید محمود (۱۳۸۵ش)، «بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق (۱) و (۲)»، بازتاب اندیشه، ش ۸۳.
- ۳۷) میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۳۱۱ق)، الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية، قم: دارالخلافة.
- ۳۸) واحدی، علی بن احمد (۱۳۸۳ش)، اسباب النزول واحدی (ترجمه ذکاوتی)، تهران: نشرنی.
- ۳۹) واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دار القلم.
- ۴۰) ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعة ورام، قم: مكتبة الفقيه.

